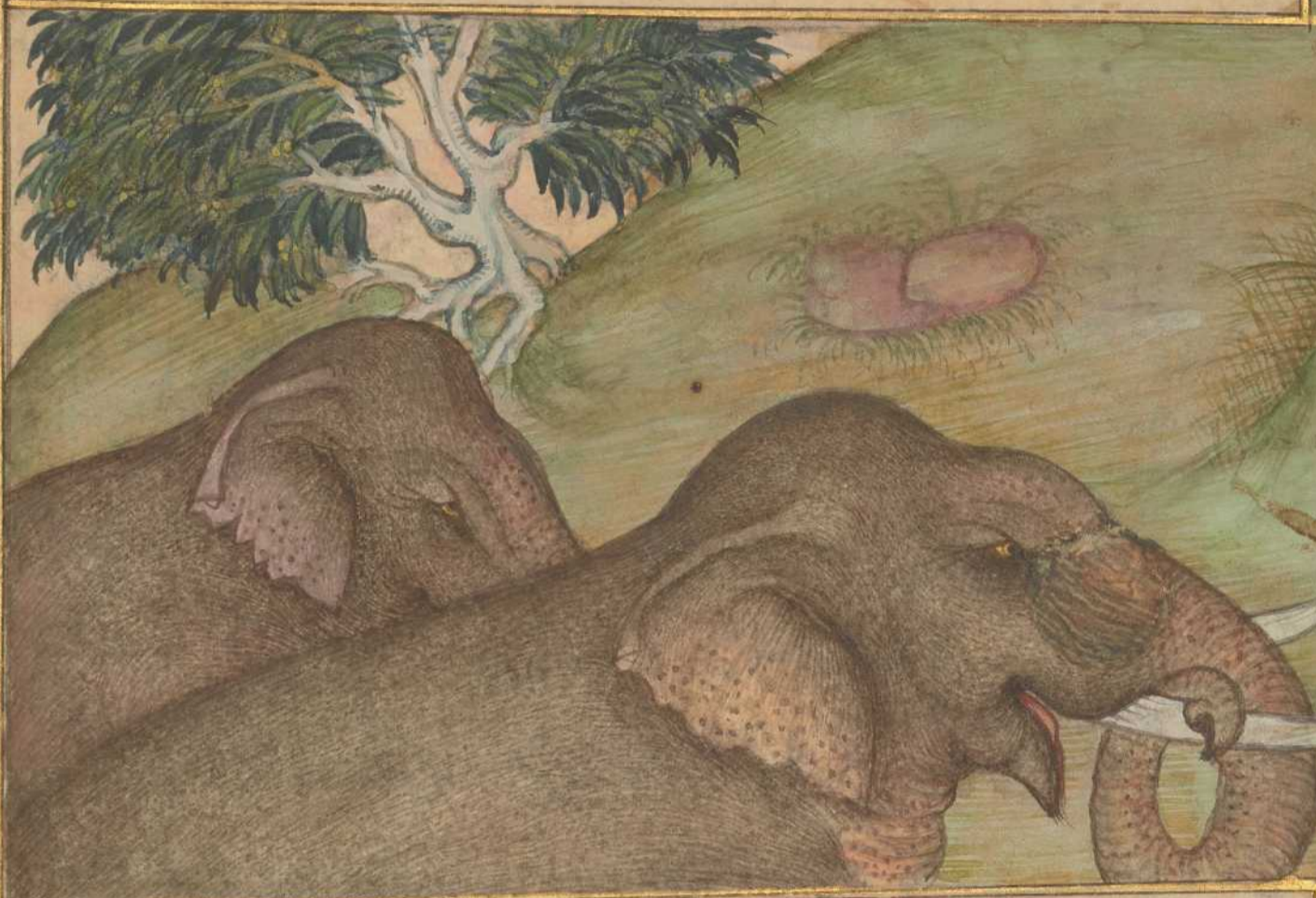


و اگر کسی خلاف او اندیشد و پیغام او بگوشش نموشد نشود تیشه بر پای خود زده باشد و در
خود کوشیده ملک پلکان بدین سخن از جای خود در آمد و پرسید که مضمون رسالت چیست



بهر روز گفت ماه میگوید که هر که خود را بقوت و شوکت از ضعیفان زیاده پسندد و بزور و تهور
و توانایی و تخر خود معزز گردد و خواهد که زیر پستانرا بجور و ستم از پای در آورد و این صورت
بر ضعیفان ادولت کند و این صفت او را در ورطه هلاک افکند **م** تخم بکر مثنان سینه را
جای مده در دل خود کینه را چند نیمی بر نفس کیسریزین تیر مان کاین نماید چنین ناکت این
ز سر بگذرد تا او که جوخت ز سپر بگذرد عاقبت این کار در کون شود کار تو از دست تو برود
و تو بدین غور که خود را بتر بهایم راجح می شناسی و از قوت و شوکت خود که در صد زوال و
و اشغالست حسابی گرفته کار بدان رسید و هم بدان انجامید که قصد خسته مری کرده و لشکر بدان
موضع برده و از غایت خیر کی ترکی بدان آب رسانیده آیا تواند آستنه که عقاب تیر ترا که
بالای چشمه مری پر دصاعقه غیرت پر د بالش بوزد و اگر عین الثور از مرغزار سپهر بیدیه نصر
در د بگرد سماک پستان سوط چشم بدوزد **م** دیو کا بخار سپید سر بنهد مرغ کا بخار سپید
پر بنهد نرود جز بیدر قه سپردن از هوا و زمین او کردن و نه از غایت کرم ترا بدین
رسالت پشته واجب دیدم اگر می کار خود نشستی و ازین نوع جرات احواض نمودی بینا و الا
بذات خود پیام و بنزاری زارت بگشیم و اگر درین پیغام شپه داری همین ساعت پاکه مژد
چشمه حاضر م تا برای العین م ایه پسنی و نه بعد در حوالی ابن چشمه بنشیننی ملک پلکان را ازین
عجب آمد و بسوی چشمه رفته صورت ماه در آب دید بهر ز اورا گفت ای ملک قدری آب کبیر
و روی را شسته سجده بجای آر که ماه در مقام ترجم آمده از تو راضی شود پیل خطوم

